

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۴ دسمبر ۲۰۱۹

صلحخواهی "قصاب کابل"؟!؟

سه شنبه- ۱۲ قوس ۱۳۹۸ - کابل: در جریان حوادث چهاردهم اخیر، هریک از آنهایی که در رأس اداره کشور قرار گرفته اند، بنا بر افکار، گفتار و کرداری که از آن بروز یافته، توده های میلیونی افغانستان بعد از تکرار تجارب شان آنها را به القابی مفتخر ساخته اند که با وجود اختصار و فشردگی در یک کلمه، ماهیت و شخصیت طرف را کاملاً اشکار ساخته است. مثلاً: تره کی(کودن)، ببرک(روبا و محیل)، امین(جلاد)، نجیب گاو(جلادخاد)، گلبدین(قصاب کابل)، برهان الدین ربانی(مفتن و جنگ انداز)، احمدشاه مسعود(بزکابل)، حامدکرزی(ببرک امریکائی)، غنی احمدزی(لافوک و دروغگوی)، عبدالله(لشمک) و ...

آنچه محتوای یادداشت امروز را می سازد و می توان نوشت اوج بدبختی یک ملت را می رساند، آن است که افراد متذکره، علی رغم آگاهی کامل به القابی که از جانب ملت به آنها داده شده و عمق شناخت توده ها را از آنها نشان می دهد، تلاش می ورزند تا چهره ای را از خود نمایش دهند که نه تنها با اصلیت خودشان هیچ گونه سازگاری ندارد، بلکه عمق دیده درائی آنها را نیز به نمایش می گذارد. مثلاً "گلبدین":

این حقیقت را نه تنها نسل فعال کشور در کل می داند بلکه درج تاریخ خونبار کشور نیز گردهیده است، که نام "گلبدین" مساویست با آدم کشی، خونریزی، ویرانی و جاسوسی به اجانب. یعنی از همان نخستین روز هائی که در شهر کابل به دستور باداران پیداوپنهانش وارد عرصه سیاست گردید، با ریختن خون فرزند قهرمان خلق افغانستان، نویسنده، شاعر و رزمنده راه آزادی و کرامت انسانی "سیدال سخندان"، نام ننگینش را درج صفحات تاریخ معاصر کشور نمود، تا اینک که فعلاً در افغانستان بودباش دارد، جنایات و انسان کشی هائی را که در جریان چیزی کم ۵ دهه انجام داده، آنقدر زیاد، خوفناک و غیر انسانی بوده که هیچ یک از آنهایی که قادر به درک تفاوت بین دست چپ و راست خود اند، نمی تواند وی را ببخشد تا چه رسد که جنایاتش را فراموش نماید.

با آنهم همین جنایتکار سفاک، در این اواخر می خواهد چهره کثیفش را در عقب "صلحخواهی"، "عدالت پروری" و "آزادی و آزادگی" پنهان نموده، از چپ و راست به هر محفل و مجلسی که پایش می رسد، می خواهد خود را به مثابه پیامبر و فرشته صلح عرضه نماید.

هموطنان گرامی!

چنین تلاشی آنهم از جانب کسی که توده های میلیونی افغانستان به وی لقب "قصاب کابل" داده اند، گذشته از اوج پرروئی و دیده درائی، اهانت به شعور و حافظه جمعی مردم ما نیز می باشد.

مردم ما این را می دانند که هرگاه نقش جنایتکارانه افرادی از قماش "گلبدین" نمی بود و درز عمیق و استخوان شکنی آشکاری بین نیروهای مخالف شوروی اشغالگر نمی افتاد، اولاً نوکران روس جرأت خودفروشی و میهنفروشی را نمی یافتند در ثانی اگر هم می یافتند و به دلپوری روسهای اشغالگر دست به حرکتی می زدند، قاطبه مردم چنان جواب دندان شکنی به آنها می دادند، که به گفته مردم "ستاره های آسمان را در روز روشن می دیدند"؛ یعنی این "گلبدین" ها بوده و هستند که به علاوه کشتن هزاران تن از روشنفکران گریخته از مظالم روس و نوکرانش، با آوردن جنگهای داخلی و به خاک و خون کشیدن نطفه های آزادی، دموکراسی و بهروزی انسان، کشور ما در شرایطی قرار دادند که امروز خطراتی موجدیت آن را تهدید نماید.

هموطنان گرامی!

صلحی که "گلبدین" ها از آن حرف زده و می خواهند در پناه آن برای ما سرنوشت تعیین نمایند، نه تنها صلح نیست و آرامشی را با خود حمل نمی کند، بلکه پیامیست که عفريت مرگ جهت نابودی ما و شما ارسال می دارد. "گلبدین" ها تا امروز به یمن کمک و حمایت بی دریغ امپریالیسم و ارتجاع منطقه زندگانی نموده اند، صلحی را که از آن دم می زنند چیزی اسارت و بردگی خلق ما به ارمغان نخواهد آورد. این که گفته اند، مبارزه علیه امپریالیسم از مبارزه علیه ارتجاع انفکاک ناپذیر است، بر ما حکم می کند تا در تقابل با دشمنان مردم ما یعنی امپریالیسم و ارتجاع، لحظه ای غفلت نوزیم.

سرکها ما را می طلبید!!